

سرمایه جاودانی



قرآن در جای دیگر به صراحت فرموده است: «لیس للانسان الا ما سعی»: بهره آدمی صرفاً در کار و تلاش است (فجر، آیه ۳۹). روشن است با تلاش و کار می‌توان به روزی مقدر دست یافت.

پیشوایان دینی ما نیز در زندگی با تلاش و فعالیت در پی روزی خویش بوده‌اند و از چوپانی گرفته تا خیاطی، زره‌بافی و کشاورزی، هر کدام به شغلی مشغول بوده‌اند. اگر مفهوم «روزی مقدر است»، چیزی جز این بود، چه لزومی داشت پیامبران و امامان (ع) که بیشتر از همه به مفاهیم دینی آشنايند، برای کسب روزی تلاش کنند. به قول سعدی علی‌الرحمه:

رزق هر چند بیگمان برسد
شرط عقل است جستن از درها

(گلستان، در باب فضیلت قناعت).

بله. وقتی سیرة عملی بزرگان دینی را مرور می‌کنیم، با این واقعیت روبه‌رو می‌شویم که همه آنها در کنار مسئولیت عظیم و سنگین هدایت و سرپرستی مردم، به اشتغال برای گذران زندگی نیز توجه داشته‌اند. آنها برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده کار می‌کردند. حتی هیچ‌یک از آنها (به‌رغم وجود کسانی که حاضر بودند با افتخار برای آن‌ها و به جای آن‌ها کار کنند و گاه نیز با وجود داشتن امکانات کافی و داشتن منابع مالی لازم)، باز هم از کار و تلاش غافل نبودند.

به هر حال، نباید گذاشت راحت‌طلبی باعث فرار از تلاش و کار شود. درست است که کارکردن زحمت دارد، اما بیکاری نیز خسته‌کننده و فسادآور است.

باید خستگی کار را به جان خرید. به قول امام علی (ع): اگر شغل خستگی و رنج دارد، بیکاری مدام نیز مایه فساد و تباهی است. (نهج البلاغه/۲۴۳؛ «عبده» ۲۳۲/۳). بدانیم، باید به دنبال شغل دوید. گاه باید سفر کرد و رنج غربت را در کسب و کار تجربه کرد. این چیزی است که مورد رضایت و پسند خداوند است.

گفتیم کار از موضوعات محوری زندگی است. یعنی در اعتلای حیات اقتصادی و اجتماعی فرد و جامعه نقشی به سزا و قابل توجه دارد. در مقابل، بیکاری پیامدها و عوارض نامطلوبی را در زندگی در پی خواهد داشت.

این بیکاری است که از یکسو توازن و تعادل جامعه را به هم می‌ریزد و از سوی دیگر باعث فقر و محرومیت و ایجاد سرخوردگی و احساس بی‌ارزشی در فرد می‌شود، چرا که هر فرد با دستیابی به شغل مناسب که جدا از کسب درآمد، با ورود به جامعه، توانایی دستیابی به هویت و پایگاهی اجتماعی را پیدا می‌کند؛ در حالی که بیکاری باعث میشود فرد از شیوه‌های گوناگون جامعه‌پذیری که از طریق اشتغال به وجود می‌آیند، بی‌بهره و بی‌نصیب بماند. بنابراین بیکاری به نوعی به حاشیه‌ای بودن و مطرود شدن فرد می‌انجامد. به علاوه، با بیکاری حس اعتماد و خودتکایی، شخص بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌شود. از این رو در تعالیم دینی به شدت به داشتن کار و کسب توصیه شده است. تا جایی که در روایات، به دست آوردن درآمد حلال، واجب معرفی شده و به شدت از بیکاری و تبلیی پرهیز داده شده است (الحیة، جلد ۵: ۴۳۰).

پیامبر (ص) در روایتی فرموده است: بهدنبال حلال رفتن بر هر فرد مسلمان واجب است. در روایتی دیگر آمده است، گاه پیامبر (ص) به فردی برمی‌خورد (که از نیرو و وقتش) در شگفت می‌شد. سؤال می‌فرمود، آیا این شخص حرفه و شغلی نیز دارد؟ اگر می‌گفتند او شغلی ندارد و بیکار است، می‌فرمود، از چشمم افتاد (همان، ص ۴۹۰). آری باید به دنبال کسب حلال بود و شغل سالمی را پیشه کرد. زندگی شرافتمندانه ایجاد میکند، شخص کار را عیب نداند، نیازهای خود و خانواده‌اش را با کار کردن تأمین کند و از تبلیی گریزان باشد و بداند که پروردگار متعال چنین بنده‌ای را دوست دارد و از افراد تن‌پرور و بیکار بیزار است. در حدیثی آمده است: موسی (ع) گفت، پروردگارا، کدام یک از بندگان نزد تو مغبوض‌ترند، فرمود: آن کس که شب‌هنگام چون مردار است و در روز بیکار (همان، ص ۴۹۲، با کمی تغییر).